

چگونگی نحوه انضباط بخشی به قاچاق کالا و ارز

کمیسیون مدیریت واردات

دبیر خانه کمیسیون های تخصصی

|  |
| --- |
| **عنوان گزارش: چگونگی نحوه انضباط بخشی به قاچاق کالا و ارز**  **کمیسیون: مدیریت واردات**  **تهیه کننده: حمیدرضا قاسمی**  **ناظر: محمد زائری**  **انتشار: دبیرخانه کمیسیون های تخصصی اتاق ایران**  **شماره گزارش: 189518**  **اردیبهشت 95** |

فهرست

[خلاصه مدیریتی 3](#_Toc453152223)

[مقدمه 4](#_Toc453152224)

[تعریف قاچاق 5](#_Toc453152225)

[تعریف قاچاق ارز 5](#_Toc453152226)

[علل و زمینه های قاچاق ارز 6](#_Toc453152227)

[آثار قاچاق ارز 8](#_Toc453152228)

[تعریف قاچاق کالا 9](#_Toc453152229)

[علل و زمینه های قاچاق کالا 9](#_Toc453152230)

[عوامل اقتصادی 9](#_Toc453152231)

[آثار قاچاق کالا 12](#_Toc453152232)

[بررسی علل قاچاق ارز و کالا 16](#_Toc453152233)

[نتیجه گیری و ارائه راهکار مبارزه با قاچاق 20](#_Toc453152234)

[منابع 22](#_Toc453152235)

# خلاصه مدیریتی

قاچاق پدیده مزمومی است که اقتصاد را از مسیر صحیح دور می‌کند و دستیابی به اهداف و برنامه‌های اقتصادی را با اختلال و دشواری همراه می‌سازد. در سال‌های اخیر ورود غیرقانونی بسیاری از کالاهای بادوام و غیرضروری نه تنها بخشی از منابع ارزی کشور را از سرمایه‌گذاری در امور تولیدی خارج ساخته، بلکه با ایجاد نوسانات شدید در حوزه ارزی، فشار تورمی را تشدید کرده و به حیات اقتصادی خانوارهای کم درآمد و اقشار آسیب پذیر لطمه زده است. از طرفی برای طرح‌ریزی جامع مبارزه با قاچاق صرف کنترل مبادی ورودی و خروجی و نیز مرزهای کشور کافی نیست، بلکه ضرورت دارد علتی که به قاچاق می‌انجامد با دقت ارزیابی و شناسایی ‌‌شوند. قاچاق کالا و ارز بخشی از اقتصاد کشور است که با هدف سود آوری شکل گرفته است چون دارای ماهیت پنهان است در اقتصاد کشور ثبت نمی شود و این امر می‌تواند باعث ضربه به متغیرهای اقتصادی شود . حجم بالای آن مصادف با حجم بالای عدم اطمینان در بخش های مولد و تولیدی است . هر جامعه ای در جهت تحقق اهداف خود نیاز به امنیت دارد. به عبارت دیگر، نهادها و سازمان های جامعه باید در محیطی آرام و امن، بدون دغدغه خاطر و عوامل مزاحم، اهداف جامعه را تحقق بخشند. نقش مدیریت سازمانی و در این زمینه اهمیت بسزایی دارد زیرا می‌تواند با برنامه ریزی­ها، سازماندهی ها و هماهنگی ها و نظارت ها در ایجاد این امنیت نقش مهمی برعهده داشته باشد. نهادهای یک جامعه اگر از این امنیت بی بهره باشند، در جهت تحقق اهداف خود ناخواسته با مشکلات بی شماری روبرو می‌گردند که آثار زیان بخش و جبران ناپذیری برای جامعه در برخواهد داشت.

اما قاچاق علت است یا معلول؟ در اینجا باید گفت که هر چند قاچاق کالا علت بسیاری از مشکلات فرهنگی و اقتصادی است، ولی در درجه ی اول پدیده ی قاچاق خود معلول بسیاری از عوامل مختلف از جمله سیاستهای اقتصادی است. قاچاق کالا در ایران یک معلول است. با حذف کردن معلول، مسئله قاچاق حل نمی‌شود، بلکه باید عوامل ریشه ای پدید آورنده این معلول علت نما را پیدا کرد و با آن مبارزه شود.

در این پژوهش ضمن تعریف قاچاق کالا و ارز به علل و زمینه های شکل گیری آن می پردازیم همچنین به تبیین اثرات آن روی اقتصاد کشور خواهیم پرداخت . در پایان نیز برخی از راهکارهای مبارزه با قاچاق کالا و ارز معرفی می گردد.

# مقدمه

هر جامعه ای در جهت تحقق اهداف خود نیاز به امنیت دارد. به عبارت دیگر، نهادها و سازمان های جامعه باید در محیطی آرام و امن، بدون دغدغه خاطر و عوامل مزاحم، اهداف جامعه را تحقق بخشند. نقش مدیریت سازمانی در این زمینه اهمیت بسزایی دارد زیرا می‌تواند با برنامه ریزی­ها، سازماندهی ها و هماهنگی ها و نظارت ها در ایجاد این امنیت نقش مهمی برعهده داشته باشد. نهادهای یک جامعه اگر از این امنیت بی بهره باشند، در جهت تحقق اهداف خود ناخواسته با مشکلات بی شماری روبرو می‌گردند که آثار زیان بخش و جبران ناپذیری برای جامعه در برخواهد داشت.

یکی از پدیده هایی که امنیت اجتماعی را در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مدیریتی را نشانه می‌گیرد پدیده شوم قاچاق است. اما قاچاق علت است یا معلول؟ در اینجا باید گفت که هر چند قاچاق کالا علت بسیاری از مشکلات فرهنگی و اقتصادی است، ولی در درجه ی اول پدیده ی قاچاق خود معلول بسیاری از عوامل مختلف از جمله سیاستهای اقتصادی است. قاچاق کالا در ایران یک معلول است. با حذف کردن معلول، مسئله قاچاق حل نمی‌شود، بلکه باید عوامل ریشه ای پدید آورنده این معلول علت نما را پیدا کرد و با آن مبارزه شود.

قاچاق نیز مانند همه جرایم دیگر برخاسته از عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. اما به طور کلی روند قاچاق و روند رو به رشد آن در نتیجه نارسایی­های گوناگون در حوزه اقتصاد بوده و از سر چشمه آن است. درواقع اقتصاد و قاچاق بر یکدیگر آثار متقابلی دارند. سال های گذشته مساله قاچاق در ایران بر سیستم تهیه و توزیع کالا سایه انداخته و تقاضای داخلی ناشی از کمبود یا مطلوب نبودن تولیدات و منفعت بالای قاچاق از یک سو و ناکارآمدی اقتصاد دولتی از سوی دیگر در کنار سایر عوامل به روند رو به رشد قاچاق دامن زده است. عوامل متعددی بر پیدایش و گسترش قاچاق که زاییده اقتصاد غیر رسمی است اثر دارد به گونه ای آن را تسهیل می‌کند. اوضاع سیاسی امنیتی همسایگان، سود آوری قاچاق، طولانی بودن تشریفات و هزینه بالای واردات کالا، رشد سریع تجاری جهانی و تحولات تکنولوژیک، عدم نظارت کافی بر برخی از مناطق آزاد، سهل الوصول بودن دستیابی به منابع قاچاق، بیکاری و فقر در مناطق مرزی، قاچاق در پوشش ترانزیت، کالای همراه مسافر، وضع اقتصادی و تجاری همسایگان، نظام ارزی ناکارآمد داخلی ، وجود انحصارها و فضای رانتی، اتخاذ استراتژی توسعه صادرات در کشورهای در حال توسعه، ورود موقت کالا، تبلیغات، فرهنگ مصرف، سنت قاچاق، تردد مرزنشینان و ... از دیگر عوامل شکل گیری و گسترش قاچاق به حساب می‌آید. فقر موجود در کشور، امنیت ملی را به خطر می‌اندازد و باعث اشتغال به کارهای غیرمولد چون قاچاق می‌شود.

موضوع مهمی که قاچاق کالا را تشدید می‌کند، بیکاری، فقر و توسعه نیافتگی مناطقی است که در آن، قاچاق کالا وجود دارد. در این مناطق اکثر جوانان قاچاق کالا را یک شغل پر درآمد می‌بینند. علت اصلی این امر در مناطق محروم بیکاری است و قاچاقچی در این مناطق از قشر بیکار محلی به سهولت برای قاچاق کالا استفاده می‌کنند. قاچاق کالا به تولید و اشتغال در کشور لطمه می‌زند. سرمایه ‌ای که در اثر ورود کالای قاچاق از کشور خارج می‌شود می‌تواند در فعالیت های مولد به کار گرفته شود و باعث تولید و اشتغال شود. در مرزهای کشور باید برای مرزنشینان، امکانات طوری فراهم شود که به اشتغال سالم بپردازند و از این رهگذر نیازهای خود و جامعه را مرتفع سازند. البته قاچاق خود تا حدی ایجاد اشتغال می‌نماید، اما کار ایجاد شده چون مولد نیست، اشتغال کاذب نامیده می‌شود. این اشتغال نه تنها باعث افزایش تولید در کشور نمی شود بلکه ممکن است تولید را از طریق جایگزینی با کالای داخلی از بین ببرد.

در بعد اقتصادی، توسعه یافتگی کشور باعث می‌شود تا فقر و بیکاری از بین برود و قاچاق کاهش می یابد. در بعد سیاسی احساس وفاداری و مشروعیت بیشتری نسبت به حاکمیت را در پی خواهد داشت. در بخش فرهنگی و اجتماعی مهاجرت به بیرون از منطقه بزهکاری و رفتارهای نابهنجار کاهش می یابد.

# تعریف قاچاق

از دید صاحب نظران تقسیم بندی های فراوانی از قاچاق وجود دارد که قاچاق کالا در کنار قاچاق های ارز ، مواد مخدر ، خدمت ، اشخاص و ... از مهمترین و گسترده ترین انواع قاچاق به شمار می رود . برخی از حقوق دانان قاچاق را در سه دسته تقسیم کرده اند : ابتدا قاچاق محض بدین معنا که قانون گذار فعل مجرمانه ای را صریحا قاچاق دانسته و برای آن مجازات تعیین کرده است مانند اسلحه و مهمات . دوم اعمال در حکم قاچاق که غیرمستقیم قاچاق تلقی شده اند مانند وارد کردن لباس هایی که استفاده از آن ها در ملاء عام خلاف شرع است و سوم قاچاق ناشی از تخلفات گمرکی به مفهوم تخلف از ضوابط گمرک ، نظیر اظهار خلاف واقع درباره مشخصات کالای وارداتی از سوی صاحب کالا، بعضی از محققان دیگر قاچاق را به سه نوع کلی اقتصادی نظیر کالاهای صنعتی ،فرهنگی مانند آثار باستانی و انسانی مثل کودکان و تعداد دیگری از آن ها قاچاق را بر اساس ورود به کشور یا خروج از آن به دو نوع وارداتی و صادراتی تقسیم کرده اند . در قاچاق کالاهای وارداتی اجناس بدون رعایت مقررات اقتصادی وارد کشور می شوند مثل لوازم لوکس و در مقابل کالاهایی که عمدتا از یارانه های دولتی برخوردارند به علت تفاوت قیمت داخلی و خارجی یا فرار از پرداخت حقوق گمرگی به آن سوی مرز ها قاچاق می شوند مانند فرآوردها های نفتی .

قاچاق به دلیل ماهیت پنهان خود در آمارهای رسمی کشور ثبت نمی شود و بر اساس و جود آن موجب پنهان ماندن بخشی از عملکرد اقتصاد کشور خواهد شد . این واقعیت می‌تواند کارکرد سیاست های تخصیصی و توزیعی دولت را در عمل با مشکلات جدی مواجه سازد . این درحالی است که با اطلاع از روند قاچاق یا حجم آن می‌توان در سایه اتخاذ راه کارهای مناسب فعالیت های اقتصادی غیر رسمی را به سمت فعالیت های اقتصادی رسمی ثبت شده در حساب های ملی هدایت کرد . قاچاق در لغت به معنی عملی است که بر خلاف قانون به صورت پنهانی انجام می شود . در عمل قاچاق قوانین و مقررات جاری نقض می شوند که بر این اساس قانونگذار مرتکبین آن را مستحق مجازات می داند . با آنکه واژه قاچاق به دفعات مورد استفاده قانون گذار قرار گرفته اما بدون آنکه تعریف مشخصی از آن ارائه شود ، تنها به ذکر مصادیق و انواع مجازات های مربوط اکتفا شده است و این خلاف روال قانونگذاری است که در آن قانوگذار قبل از تعیین مجازات برای مرتکبین اعمال مجرمانه ، ابتدا عمل مجرمانه را تعریف می‌کند . بدین ترتیب برای تعریف قاچاق باید به منابعی به غیر از قوانین و مقررات مربوط رجوع کرد که در این زمینه با مطالعه تطبیقی فرهنگ نامه ها ، نظرات کارشناسان و ملاحظه مصداق های قاچاق در قوانین داخلی این تعریف از قاچاق استنباط می‌گردد : " هرگونه فرار از نظارت گمرکی یا انجام فعالیت ناقض قانون خاص محدود کننده " قاچاق نام دارد .

# تعریف قاچاق ارز

اینکه نگهداری مقدار خاصی از ارز قاچاق تلقی می­شود یا نه، قوانین و سیاست­های جاری کشور تعیین می­کند. مثلا وقتی در سال 1374 نرخ ارز طی چندروز بیش از دو برابر شد و باعث آن بی­ثباتی، سوداگری ارز بود و از این ناحیه کل اقتصاد و بویژه نرخ ارز شدیدا بی­ثبات شد نگهداری ارز جز برای تامین معاملات رسمی و واردات دارای مجوز رسمی جرم تلقی شد و هرکس به غیر از این منظور ارز نگهداری و یا خرید و فروش می­کرد مجرم تلقی می­شد و با این کار ثبات دوباره به اقتصاد بازگشت بعد از بازگشت ثبات دوباره به اقتصاد کم کم این محدودیت هم برداشته شد و قاچاق ارز شامل نگهداری ارز برای قاچاق کالا و فرار سرمایه می­شد. یعنی نگهداری ارز برای واردات قاچاق یا نگهداری آن برای تبدیل سرمایه­های ریالی به پول­های خارجی به منظور انتقال به خارج از کشور.

در شرایط فعلی هم در مورد مسافرین نگهداری ارز بیش از یک مقدار معین قاچاق تلقی می­شود.

یک دیدگاه این است که نگهداری ارز برای اهداف سوداگرانه قاچاق تلقی شود اما نگهداری آن برای مسافرت­ها قاچاق تلقی نمی­شود.

اگر هر نوع خریدوفروش سوداگرانه ارز توسط هر فرد حقیقی یا حقوقی(مثل بانکها، صندوق­ها، موسسات مالی اعتباری) را غیر قانونی تلقی کنیم، اقتصاد در مواقع کمبود ارز به دلیل کاهش قیمت نفت یا تشدید تحریم­ها با بی­ثباتی مواجه نخواهد شد. لذا پیشنهاد ما این است که تعریف قاچاق ارز باید نگهداری ارز به منظور اهداف سوداگرانه را شامل شود. نگهداری ارز برای ورود غیرقانونی کالا توسط تجار و عوامل قاچاق همیشه قاچاق ارز محسوب می­شود. در مورد مسافر با استفاده از ارز فراوان برای اهداف معاملاتی در مسافرت­ها و مهاجرت­ها باید متناسب با شرایط اقتصادی و ارزی کشور دایره شمول قاچاق را تعدیل و تنظیم کرد. چون بین آزادی فعالیت­های مسافرتی و مهاجرتی و واردکردن کالا توسط افراد خصوصی برای مصارف خود و وضعیت ارزی و اقتصاد کشور و منافع ملی باید یک رابطه مفهوم و منطقی وجود داشته باشد. دراین زمینه اصل بر آزادی عمل است مگر در صورت وجود تنگنای ارزی و وجود مفسده­ای مثل آسیب زدن به اقتصاد ملی. در حالت­های خاص کمبود و بحران ارزی هم باید طرف منافع ملی را گرفت. نکته دیگری که در تعریف قاچاق ارز باید به آن توجه شود این است که هرنوع خرید و فروش ارز در غیراز صرافی­ها(به منظور فرار از مالیات و پنهان کردن فعالیت­های سوداگرانه) قاچاق است و باید غیر قانونی اعلام شود. حتی فعالیت­های غیررسمی و غیرثبتی صرافی­ها هم باید قاچاق تلقی شود.

قاچاق تلقی کردن این قبیل امور نه تنها مصداق بگیر و ببند نیست بلکه لازمه شکل­گیری بازار صحیح ارز، شفاف کردن و قانونی کردن همه فعالیت­هاست.

ارز صادراتی ناشی از صادرات کالاها و خدمات که به اقتصاد بازنگردد قاچاق تلقی می­شود(یا باید بشود). یکی از زمینه­های رواج قاچاق ارز عدم بازگشت ارزهای صادراتی به جریان پولی و ارزی کشور بطور شفاف و رسمی است.

# علل و زمینه­های قاچاق ارز

اساسا در مورد تحلیل وضعیت ارزی کشور باید دو نوع اقتصاد را از هم تفکیک کرد. گروه اول اقتصادهایی هستند که بخاطر بهره مندی از تولید رقابت­پذیر و قوی دارای کشش­های عرضه صادراتی بالایی هستند و در صحنه تجارت بین­الملل از یک توازن و تعامل منطقی برخوردارند. در این نوع اقتصادها بازار ارز به صورت عمیق شکل می­گیرد. ثبات بازار ارز تضمین است .(البته اگر بازار سرمایه بین­المللی شده آنها با ثبات باشد) در اینجا زمینه­ای برای فعالیت­های سوداگرانه بی­ثبات­ساز در مورد ارز وجود ندارد. البته نگهداری سوداگرانه تثبیت­کننده ارز وجود دارد که منظور نگهداری آن برای معامله در بازار آتی­ها، فوروارد ، سواپ و... است که بطور رسمی انجام می­شود و چون موجب کاهش ریسک و هزینه آن می­شود و نقاط اوج و حضیض نوسانات ارزی را کاهش می­دهد ، برای اقتصاد مفید است. مسلما در این اقتصاد­ها اگر شفافیت رایج باشد، گمرکات پاک و منضبط موجود باشد و تجارت متوازن باشد زمینه­های قاچاق کاملا محدود است. در این موارد وجود نرخ­های تعرفه بالا انگیزه قاچاق را فراهم می­کند و ارز نگهداری شده برای تامین این معاملات قاچاق، قاچاق تلقی می­شود.

به نظر ما در این اقتصادها دو گروه عوامل وجود دارد که قاچاق ارز را محدود کرده است ، یکی صادرات با تکنولوژی بالا و رقابت پذیر زیرا اساسا استعداد تولید کالاهای فن­آورانه موجب تقویت عوامل بنیادی تعیین­کننده ارزش خواهد بود.

**ارزش صادرات کالاهای دارای فن‌آوری پیشرفته در کشورهای منتخب سالهای 2009-1988**

واحد: ميليارد دلار

| سال | برزيل | چين | ايران | كره جنوبي | مالزي | هند | تركيه |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| 2000 | 94/5 | 84/40 | 04/0 | 95/53 | 47 | 57/1 | 08/1 |
| 2001 | 02/6 | 49/48 | 02/0 | 04/40 | 91/40 | 83/1 | 1 |
| 2002 | 35/5 | 18/68 | 06/0 | 6/46 | 54/43 | 82/1 | 57/0 |
| 2003 | 52/4 | 54/107 | 05/0 | 16/57 | 33/47 | 13/2 | 81/0 |
| 2004 | 95/5 | 6/161 | 1/0 | 74/75 | 22/53 | 76/2 | 06/1 |
| 2005 | 03/8 | 25/214 | 13/0 | 53/83 | 65/57 | 38/3 | 91/0 |
| 2006 | 43/8 | 17/271 | 37/0 | 94/92 | 41/63 | 02/4 | 33/1 |
| 2007 | 14/9 | 99/336 | - | 63/110 | 58/64 | 94/4 | 77/1 |
| 2008 | 57/10 | 35/381 | - | - | 76/42 | 5/6 | 81/1 |
| 2009 | 31/8 | 29/348 | - | 4/103 | 55/51 | 14/10 | 462/1 |

Source: World Bank, World Development Indicators.

مورد دیگر وجود شفافیت و انضباط در گمرک و وجود نهادهای نظارتی است. مثلا در کره­جنوبی و ژاپن که صادرات فناوارانه بالایی دارند زمینه قاچاق ارز و فعالیت­های سوداگرانه ارز موضوعیت ندارد.

گروه دوم کشورها و اقتصادهایی هستند که از توان قوی طرف عرضه برخوردار نیستند ، تولید فناورانه در آنها ضعیف است ، صادرات کالا با تکنولوژی بالا در آنها پایین و به صادرات مواد طبیعی و خام وابسته­اند . در این نوع اقتصادها دیگر بازار ارز قوی و عمیق وجود ندارد . نرخ­های ارز توسط عوامل بنیادی مرتبط تعیین نمی­شود و استعدادهای بی­ثباتی در بازار ارز قوی است. در اینجا زمینه برای فعالیت­های سوداگرانه بی­ثبات­کننده فراهم می­شود و از دید ما نگهداری ارز برای اهداف بی­ثبات­کننده قاچاق تلقی می­شود. معمولا این نوع اقتصادها کسری تراز تجاری و حساب جاری دارند و با اقتصادهای پیشرفته و با ثبات اختلاف سطح دارند. تعرفه­ها و محدودیت­های مقداری موضوعیت بالایی پیدا می­کند و بنابراین زمینه برای قاچاق کالا فراهم است.

به خاطر وجود اختلاف سطح میان این نوع کشورها و کشورهای گروه اول معمولا انگیزه برای فرار سرمایه و مهاجرت قوی است و این خود نگهداری ارز برای فرار سرمایه را هم فراهم می­کند. بحث اندازه و گستره فساد هم در بروز و گسترش قاچاق ارز نقش دارد. نقش نهادهای نظارتی و کنترلی و ساختار گمرکات نیز در بسط قاچاق کالا و ارز موثر است.

اساسا اگر در عصر ارتباطات و اطلاعات، فعالیت­های اقتصادی و مبادلات وجوه به صورت شفاف ثبت نشود و زمینه پنهان­کاری و طفره روی در اقتصاد رایج باشد ، زمینه فعالیت­های غیرقانونی اقتصاد بطور عام و قاچاق ارز و کالا بطور خاص فراهم می­شود.

البته کمبود منابع ارزی ، زمینه و استعداد افزایش قیمت ارز به خاطر تورم­های بالا و تقاضای کم کشش ارزی خود از زمینه­های قاچاق ارز است. بالا بودن تعرفه­ها به خاطر اختلاف سطح و نبود رقابت­پذیری در مورد کالاهای داخلی ، در کنار رواج پنهان­کاری و فعالیت­های غیرشفاف زمینه را برای قاچاق کالا گسترش می­دهد و گسترش قاچاق کالا زمینه ساز رواج قاچاق ارز است.

# آثار قاچاق ارز

اگر در اقتصاد بازار عمیق و رقابتی ارز وجود داشته باشد زمینه­های قاچاق ارز به موارد تامین ارز قاچاق کالا و فرار خزنده و پنهان و غیرقانونی سرمایه محدود می­شود . بنابراین در این اقتصادها قاچاق ارز تسهیل کننده قاچاق کالا و فرار سرمایه است . قاچاق کالا اگر گسترده باشد از طریق سازوکارهای بیماری هلندی نظام تولید داخلی را بهم می­ریزد . همانطور که قبلا متذکر شدیم چون قاچاق با هیچ برنامه ای برای نوع واردات و صادرات همراه نیست ، موجب می­شود بدون پرداخت تعرفه کالای خارجی بصورت ارزان در اختیار شهروندان داخلی قرار گیرد و تولید داخل را بشدت تحت تاثیر قرار داده و محدود می­سازد و موجب تضعیف نظام تولید کالای قابل مبادله و رونق کالای غیرقابل مبادله می­شود.همچنین قاچاق واردات در مورد کالاهای کم کشش و وابسته به واردات موجب می­شود که عوامل قاچاق کالاهای ضروری و مورد نیاز مردم را به بالاترین قیمت در اختیار آنها قرار دهند و رفاه عمومی جامعه را کاهش دهند . بنابراین قاچاق ارز زمینه ساز قاچاق کالاست و آثار آن همان آثار قاچاق کالاست. در مورد صادرات قاچاق، مساله قدری متفاوت است زیرا صادرات قاچاق در سلسله علل قرار دارد و قاچاق ارز معلول و نتیجه قاچاق کالای صادراتی است اما وقتی اقتصاد با کمبود مواجه باشد و سوداگری ارزی پرسود باشد صادرات قاچاق هم تشویق می­شود. معمولا صادرات قاچاق به کالای تمام شده مورد نیاز جامعه مربوط می­شود که صادرات آن تنظیم بازار داخل یا کالا و خدمات پر ارزش و حساس را بهم می­ریزد که همه این­ها برای جامعه مطلوب نیست.

اما در اقتصادهایی که بازار عمیق ارزی وجود ندارد و بازار ناقص موجود با مازاد یا عمدتا با کمبود ارز مواجه است چون زمینه پرش­های مکرر نرخ ارز وجود دارد و تعدیلات نرخ ارز نسبت به تورم در جریان است. لذا فعالیت­های پنهان و رسمی در مورد ارز موضوعیت پیدا می­کند و قاچاق ارز استعداد و زمینه را به فعلیت می­رساند. اساس نمود قاچاق ارز نگهداری آن برای فعالیت­های سوداگرانه و سودجویانه و برهم­زننده ثبات بازار ارز و چه بسا کل اقتصاد است.

یعنی اگر فعالیت قاچاق ارز گسترده باشد در مواقع فقدان بازار ارزی، واردات کالای قاچاق گسترش می­یابد و اگر اقتصاد با کمبود ارز مواجه باشد علاوه بر تامین قاچاق کالا زمینه­های سوداگری پرشتاب و معاملات سوداگرانه ارزی که باعث پرش­های شدید نرخ ارز می­شود را تشدید می­کند و ممکن است شدت فعالیت­های سوداگرانه کل اقتصاد را با بحران مواجه سازد.

از طرف دیگر وقتی قاچاق ارز گسترده باشد واردات قاچاق و فرار خزنده سرمایه از چشم جامعه و سیاست­گذاران مخفی می­ماند و این به ضعف تدریجی اقتصاد و تشدید وابستگی آن می انجامد.

واردات قاچاق و فرار سرمایه زمینه ها را برای کمبود ارز فراهم می­کند و زمینه فعالیت­های سوداگرانه ارزی شدیدتر را رقم خواهد زد.

این وضعیت (گسترش قاچاق ارز) موجب می­شود که هر برنامه اصلاحی اقتصاد و هرگونه سیاست­گذاری برای اصلاح ساختار اقتصاد با مانع و به دنبال آن با شکست مواجه شود و در شرایط عدم تعادل اقتصاد، ضعف­ها ، وابستگی­ها و کمبودها تشدید شود.

برای کشورهایی که پولشان تبدیل پذیر نیست (در خارج از کشور و در بازارهای بین­المللی به عنوان واسطه مبادله نمی­پذیرند) ارزهای خارجی موضوعیت حساس پیدا می­کنند و این ویژگی زمینه قاچاق را بیشتر فراهم می­کند . قاچاق گسترده ارز برای این نوع کشورها بسیار تاثیرگذار و زیانبار است اما کشورهایی که پولشان تبدیل پذیر است ، قاچاق ارز نمی­تواند به اقتصاد آسیب رساند، در آنجا آنچه اهمیت دارد پول خودشان است نه ارزهای خارجی. مخصوصاً برای دلار و یورو که تقریبا به طور کامل تبدیل­پذیرند، لذا فدرال رزرو و بانک مرکزی اروپا می­توانند با تصمیمات پولی این نوع فعالیت­ها را خنثی نماید. این در حالی است که عملا در این کشورها قاچاق اینگونه ارز موضوعیت چندانی ندارد و آنها برای احاله کامل اطلاعاتی و اطلاع از جریان ورودی و خروجی وجوه ریز جریانات وجوه را زیر نظر دارند و کنترل می­کنند لذا قاچاق ارز برای کشورهایی که پولشان تبدیل­پذیر نیست و بازار ارز و به مواد غذایی، کالاهای واسطه­ای ، سرمایه­ای و مواد اولیه وابستگی دارند زمینه بسیار شدیدتری دارد و اثرات سوء مستقیم و غیرمستقیم آن بسیار بیشتر است.

# تعریف قاچاق کالا

قاچاق کالا بخشی از اقتصاد کشور است که با هدف سودآوری از سوی عوامل تجارت غیر قانونی انجام می شود . آمار گمرک ایران از کشفیات قاچاق کالا بیانگر سیر صعودی تعداد کل پرونده های قاچاق در سال های اخیر است . با توجه به اینکه کشفیات تنها جزئی از حجم فعالیت های غیر قانونی است ، گستردگی پدیده قاچاق کالا در ایران امری دور از ذهن نیست .

قاچاق کالا از نظر ماهوی به دو شکل انجام می گیرد ؛ از یک سو ممکن است عوامل تجاری غیر قانونی کالای را به صورت غیر رسمی و مخفیانه بدون پرداخت حقوق گمرکی و رعایت ضوابط تجاری وارد کشور کرده و یا از آن خارج نمایند و از سوی دیگر عوامل تجاری قانونی ، فعالیت تجاری قانونی خود را به عنوان پوششی برای انجام اعمال متقلبانه در تجارت ، مانند دستکاری در اسناد تجاری قرار دهند که به این حالت شبه قاچاق گفته می شود .

انواع کالای قاچاق بر اساس پرتکل19.9 لندن شامل دو گروه است . گروه اول کالاهای که در هرجا و همیشه قاچاق محسوب می شوند مانند مواد مخدر و گروه دوم اجناس که بنابه اوضاع و احوال خاص زمانی و مکانی قاچاق هستند مانند برنج در جنگ فرانسه و چین. گاهی کالای قاچاق بر مبنای سازمان های وصول درآمد دولت به کالاهای گمرکی ، دخانی ، ارزی ، طلا ، اشیای گران بها ، آبزیان ، پرندگان شکاری کمیاب ،مواد روانگردان ، اسلحه ، مهمات ، مواد آتشزا و سایر کالاها مانند دارو ، احشام و سوخت تفکیک شده است .

# علل و زمینه­های قاچاق کالا

قاچاق پدیده‌ای پیچیده است و می تواند با همه اجزای امنیت جامعه مرتبط باشد. زیرا بواسطه ماهیت پنهانی خود در لایه‌های مختلف رسوخ می‌کند. به نظر می‌رسد سایر مولفه‌های امنیتی، شاخص‌ها و تهدیدهای متوجه آن در ابعاد متنوع، علاوه بر بعد اقتصادی که عمده تلاش‌های پژوهشی به آن تمرکز یافته است از قاچاق کالا تاثیر می‌پذیرد. برای مثال، ریشه در بی اعتمادی مردم به حاکمان و تردید آن به عزم و اراده جدی در مبارزه بنیادی با این پدیده دارد و همچنین می­تواند زمینه ساز بحران توزیع گردد که باعث اختلالات گسترده در نظام اقتصادی می­شود. در وجه اجتماعی و فرهنگی قاچاق کالا به دنبال سلسله آثار خود پس از تحمیل بیکاری ممکن است به بحران های کارگری و اعتراض‌های اجتماعی منتهی شود و به ابزار ضد فرهنگی برای به ابتزال کشاندن و آسیب رساندن به هنجارهای اجتماعی و الگوهای سنتی تبدیل شود و با تضعیف هویت ملی، سبب توجه به فرهنگ بیگانه و واگرایی مذهبی، نژادی و سیاسی نسبت به ملیت و حاکمیت شود و همچنین سطح سلامت و بهداشت جامعه را تنزل دهد. با توجه به اینکه قاچاق کالا و ارز یک پدیده چند وجهی می‌باشد لذا عوامل متعددی از جمله اقتصادی ، اجتماعی، فرهنگی و... در شکل‌گیری آن نقش دارند که شناسایی این عوامل به ارائه راهکار مناسب جهت برخورد با این پدیده شوم اقتصادی اجتماعی کمک می‌نماید.

# عوامل اقتصادی

**سودآوری بالای قاچاق کالا**

از مهمترین دلایل گرایش به این امر می‌باشد و این سود ناشی از تفاوت قیمت ها در بازار داخل با کشورهای همجوار است. سودهایی که از صادرات غیر رسمی برخی کالاهای یارانه‌ای (مانند فراورده های نفتی، دارو، شوینده ها، سموم دفع آفات نباتی، کود شیمیایی، نان، آرد، گندم و...) کسب می‌شود به قدری انگیزه در افراد ایجاد کرده که علی رغم تعیین جرائم سنگین باز اقدام به قاچاق کالا می‌کنند.

**پرداخت یارانه به برخی از کالاها در داخل کشور**

یکی از مشکلات نظام یارانه در کشور افزایش قاچاق کالاهای یارانه ای به خارج از کشور است. ارزان بودن برخی کالاهای یارانه ای منجر به تشدید قاچاق این کالا به خارج از کشور شده است و افزایش قیمت این کالاها هم صرفاً راه حلی کوتاه مدت و سوداگرانه است. زیرا پس از گذشت مدتی به دلیل اعمال سیاست های نادرست و بروز تورم بالا عملاً افزایش قیمت نسبی از بین رفته و گاهاً حتی به نسبت رشد قیمتی سایر کالاها ارزان‌تر هم شده است. جالب اینجاست که باز هم دست اندرکاران راه حل را در افزایش قیمت این کالاها می‌دانند در حالی که سیر قیمت آنان در مارپیچ فزاینده ای گرفتار شده است.

**بالا بودن تعرفه‌های گمرکی**

تعرفه تعیین شده به عنوان سود بازرگانی آنقدر بالاست که ورود کالا به صورت قاچاق را تشویق می‌کند. فلسفه تعرفه بالا باید در اصل حمایت از تولیدات داخلی و افزایش سطح اشتغال باشد و در مرحله بعد ایجاد درآمد برای خزانه دولت و تعرفه در خصوص کالایی بسته می‌شود که آن کالا تولید داخلی دارد و یا می‌خواهد داشته باشد و تولید داخلی آن کالا حمایت می‌کند. البته وضع تعرفه نباید همیشگی و بلند مدت باشد. بلکه زمان وضع تعرفه، زمان دقیقی برای برداشتن تدریجی این تعرفه ها در نظر گرفته می‌شود تا تولیدکنندگان داخلی با اعمال مدیریت کارآمد بتوانند تولید آن کالا را در سطح جهانی و بین المللی به انجام برسانند.

مساله ای که در برخی از کشورهای در حال توسعه در خصوص تعرفه‌ها مشاهده می‌شود، این است که دولت ها با مشاهده درآمدهای قابل توجه این تعرفه ها برای دولت، با نگاه درآمدی به تعرفه ها می‌نگرند و این مسئله باعث دائمی شدن تعرفه ها می‌شود و در حالت بدبینانه تر اینکه گاهی مسئولان امر خود دارای منافعی هستند که وضع تعرفه ها به بیشتر شدن منافعشان کمک می‌کند لذا حمایت دائمی سبب می‌شود که تولیدکنندگان تلاشی برای تولید با کیفیت‌ترنکنند و تولید داخلی همواره در سطح پایینی انجام شود. در این میان اقشار مختلف مردم هستند که ضرر می‌کنند زیرا باید کالاهای تعرفه‌ای را با قیمتی بالاتر از قیمت جهانی بخرند. یکی از شرایط عضویت در سازمان تجارت جهانی به صفر رساندن تعرفه در خصوص همه کالاها البته در یک پروسه وبه تدریج می‌باشد. بنابراین هر اقتصادی که می‌خواهد به سازمان تجارت جهانی ملحق شود باید به تعرفه ها دیدی کوتاه مدت و محدود داشته باشد. سیاست های تعرفه ای باید در جهت حمایت از تولید و به صورت موقتی انتخاب شود و اینکه در همان ابتدای اتخاذ سیاست تعرفه‌ای زمان پایان آن مشخص شود بسیار ضروری است. در حقیقت تعداد سال ها یا ماههایی که تعرفه وضع می‌شود، فرصتی است که در اختیار تولید کنندگان کالای مربوط قرار می‌گیرد. به منظور اینکه تولید خود را استاندارد و در حد رقابت با رقبای خارجی خود نماید. پس از این مدت، دولت اقدام به حذف تدریجی تعرفه ها می‌کند تا در نهایت تعرفه ها به صفر می‌رسد. در این حالت است که تولیدکنندگان داخلی مجبورند با رقبای خارجی در بازارهای داخلی رقابت نمایند. اگر این رقابت منجر به حذف تولیدکنندگان داخلی نشود، سیاست تعرفه‌ای در آن کالا موفق عمل کرده است و در داخل نیز موجب افزایش کیفیت تولیدات و استفاده مردم از تولید با کیفیت می‌شود و رفاه مردم افزایش می‌یابد.

بسیاری از کشورهای در حال توسعه به جای اینکه سیاست تعرفه­‌ای را در کوتاه مدت انجام دهند، این سیاست را در سالهای متمادی ادامه میدهند و موجب کاهش رفاه مردم از یک طرف و عدم تلاش تولیدکنندگان برای تولیدات با کیفیت تر از طرف دیگر و تعطیلی کارخانه ها و بیکاری طیف وسیعی از مردم می‌شود.

**پایین بودن ریسک قاچاق کالا**

قاچاق کالا یک فعالیت غیرقانونی، همواره با ریسک ناشی از برخورد عوامل قانونی کشور روبروست. اما خلاء قانونی و طولانی شدن روند رسیدگی به پرونده های مهم قاچاق و یا تبرئه اکثر متهمان موجب آزاد شدن قاچاقچیان کالا می‌شود. در واقع فقدان قوانین بازدارنده قوی یکی از عواملی است که انگیزه قاچاقچیان را برای مبادرت به این کار حفظ نموده و یا بالا می­برد.

**بروکراسی و ساختار اداری ناکارآمد**

بروکراسی و ساختار ناکارآمد منجر به افزایش هزینه تولید و تجارت در اقتصاد رسمی خواهد شد. گاهی گرفتن مجوز برای تولید یا صادرات از مراکز متعدد تصمیم گیری با بهره وری پایین به بیش از یک ماه زمان نیاز دارد که هزینه و قیمت تمام شده را برای تولید کننده و صادر کننده به شدت افزایش می‌دهد. بنابراین با اینگونه هزینه ها انگیزه فعالیت در بخش غیر رسمی یا به عبارتی قاچاق کالا افزایش می‌یابد.

**محرومیت ساکنان مناطق مرزی**

از عواملی که سبب گسترش قاچاق کالا در کشور شده وضعیت جغرافیایی کشور است. وجود هزاران کیلومتر راه آبی و خاکی در مرزها و همچنین همجواری با کشورهای بی ثبات سرمایه گذاری مواد در مناطق مرزی را کاهش داده است.

قاچاق کالا عمدتاً از طریق مرزنشینان صورت می‌گیرد. در نقاط مرزی کشور به دلیل فقر و نبود فرصت شغلی افراد به منظور تامین نیازهای معیشتی و مالی اقدام به قاچاق کالا می‌کنند.

در مناطق مرزی کالاها عمدتاً به صورت چمدانی قاچاق می‌شوند. بخشی از واردات در کشور مربوط به کالاهای همراه مسافر است. بر اساس معافیت کالاهای همراه مسافر تا سقف 80 دلار و امکان واردات 80 دلار دیگر توسط هر مسافر با پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی سبب افزایش قاچاق کالا از این طریق نیز می‌شود. این کالاهای همراه مسافر عمدتاً کالاهای مصرفی هستند.

بازارچه های مرزی که محل مناقشه بسیاری از تولیدکنندگان داخلی هستند، با هدف مبادله‌ی کالاهای مورد نیاز مرزنشینان و مبارزه با قاچاق کالا و اشتغالزایی در مناطق مرزی تشکیل شده، اما در حال حاضر این بازارچه ها به محلی برای واردات کالاهایی تبدیل شده اند که اساساً در روستاها و شهرهای بزرگ مورد مصرف قرار می‌گیرند.

حتی در بسیاری از موارد سهمیه واردات این بازارچه ها از سوی افراد حرفه ای در تجارت رسمی خریداری شده و کار تجارت، صادرات و واردات کالا از سوی آن ها به نام مرزنشینان صورت می‌گیرد.

از طرفی هزینه ها و عوارض بالا موجب عدم سود دهی فعالیت پیشه وران گردیده و در نتیجه رغبتی به فعالیت بیشتر ندارند. قاچاق کالا یکی از مواردی است که تاثیر بسزایی بر فعالیت بازارچه ها داشته و موجب ضعف عملکرد آن ها می‌شود.

بالا بودن میل نهایی به مصرف کالاهای وارداتی و عدم تولید برخی از کالاهای مورد نیاز مردم در داخل کشور نیز از سایر عوامل موثر بر قاچاق کالا می‌باشد.

**عوامل موثر بر قاچاق کالا در کشور( براساس مطالعات پیشین)**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **ردیف** | **عامل** | **ردیف** | **عامل** |
| 1 | تعرفه بالا | 16 | یارانه ها |
| 2 | تغییرات ما به التفاوت ارز | 17 | کنترل ناکامی مرزها |
| 3 | مالیات | 18 | اختلاف قیمت در دوسوی مرز |
| 4 | محدودیت های تجاری و مقرراتی دولت | 19 | کیفیت نامناسب کالاهای داخلی |
| 5 | بیکاری و توسعه نیافتگی مناطق مرزی | 20 | نقش اسکله های غیر مجاز |
| 6 | میزان تورم | 21 | کنترل نامناسب مناطق آزاد |
| 7 | نظام تامین اجتماعی نامناسب | 22 | نقش مسئولین ذی ربط |
| 8 | عدم کارایی اقتصادی | 23 | سست بودن قوانین مبارزه با قاچاق |
| 9 | مهاجرت افسار گسیخته | 24 | وضعیت جغرافیایی خاص |
| 10 | نامناسب بودن حقوق کارکنان گمرک | 25 | وضعیت سیاسی و امنیتی کشور |
| 11 | نبود امنیت شغلی | 26 | نفوذ به کشور جهت امور جاسوسی |
| 12 | ریسک پایین قاچاق | 27 | تحریم های اقتصادی ایران |
| 13 | سطح پایین آگاهی جامعه | 28 | رشد نقدینگی در کشور |
| 14 | کمبود زیر ساخت های اقتصادی کشور | 29 | فرهنگ پذیری غلط مرزنشینان |
| 15 | عدم امنیت سرمایه گذاری | 30 | مراودات قومی در دو سوی مرز |

قلی زاده و همکاران (1390) در پژوهشی با عنوان علل پیامدهای قاچاق کالا در ایران پس از انقلاب اسلامی به ترتیب سه عامل اقتصادی، سیاسی امنیتی و اجتماعی فرهنگی را از عوامل موثر بر قاچاق کالا در ایران اعلام کرده اند که در این بین نقش عوامل اقتصادی 52% عوامل سیاسی-امنیتی 30% و عوامل اجتماعی-فرهنگی 18% است که لزوم توجه به متغیرهای کلیدی اقتصادی را بیش از پیش متذکر می‌شود.

اساساً قاچاق پدیده‌ای یک علتی نیست بلکه محصول و پیامد مجموعه‌ای از عواملی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. بنابراین کاهش قاچاق نیازمند برنامه همه جانبه است. به طور کلی می‌توان گفت مسئله قاچاق اجتناب ناپذیر بوده ولی قابل کنترل است. در دهه‌های گذشته مبارزه با قاچاق توفیق چشم‌گیری نداشته است زیرا عوامل متعددی باعث شده تا روش‌های پیشین مبارزه با قاچاق سودمند نباشد. هرچند به قول جرم شناسان هیچ‌گاه جرم صفر نمی‌شود، با این همه می‌توان با شناخت عوامل اصلی، میزان آنرا کاهش داد.

# آثار قاچاق کالا

پدیده قاچاق منجر به شکل گیری اقتصاد زیرزمینی یا اقتصاد سیاه می‌شود و از آنجا که چنین فعالیت‌هایی در بازار غیر رسمی انجام می‌شود و در حساب‌های ملی ثبت نمی‌گردد، لذا تولید یا درآمد ناخالص ملی به دلیل فقدان آمار و اطلاعات لازم کمتر از مقدار واقعی آن برآورد می‌گردد و از آنجا که در اقتصاد زیرزمینی فرار مالیاتی افزایش می‌یابد در مجموع درآمدهای دولت کاهش می‌یابد.

آثار تخریبی قاچاق متوجه صنایعی است که آنها را به رقابت در بازار داخل فرا می‌خواند و رفته رفته به رکود می‌کشاند. از این رو با تنوع و حجم چشم‌گیر این کالاها در کشور وزن و سهم آن‌ها در اقتصاد غیر قابل انکار است. کاهش درآمدهای دولت از محل عوارض گمرکی و کاهش منابع ارزی حاصل از صادرات رسمی نیز از پیامدهای قاچاق کالا می‌باشد.

لذا پدیده قاچاق کالا باعث می‌شود درآمد دولت به سه طریق کاهش می‌یابد:

**گسترش اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی**

**کاهش تعرفه‌ها و عوارض گمرکی**

**کاهش درآمدهای ارزی**

لذا منابع هنگفتی از درآمد دولت که می‌بایست صرف حمایت از تولیدکنندگان داخلی و سرمایه‌گذاری مواد در کشور شود به جیب قاچاقچیان می‌رود.

کاهش حمایت دولت از صنایع و تولیدات داخلی به دلیل کاهش منابع درآمدی دولت سبب ورشکستگی تولیدکنندگان و تعطیلی بنگاه‌ها می‌شود. هزینه تولید کالا در داخل کشور بالاست به گونه‌ای که توان رقابت با محصولات خارجی را از بین می‌برد و سبب از بین رفتن فرصت‌های شغلی در کشور می‌شود.

از آنجا که با کاهش درآمد دولت کسری بودجه نیز افزایش می‌یابد، لذا سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های عمرانی و زیر بنایی نیز کاهش یافته و با کاهش منابع درآمدهای لازم جهت سرمایه‌گذاری مواد و کاهش سرمایه‌گذاری توسعه و پژوهش به منظور ارتقای کیفیت کالاهای داخلی کمتر از قبل می‌شود و اشتغال نیز کاهش می‌یابد. در بخش درآمدهای ارزی نیز صدور غیر قانونی کالا منجر به خروج سرمایه از کشور و عدم بازگشت ارز به دست آمده به نظام پولی و بانکی کشور می‌شود و در نتیجه کمبود درآمدهای ارزی، توان پرداخت‌های خارجی به هم می‌خورد.

قاچاقچیان کالاها به تاجرانی شبیه‌اند که نه مالیات می‌پردازند و نه عوارض. در واقع توزیع ناعادلانه درآمدها نیز از پیامدهای پدیده قاچاق می‌باشد. با توجه به حاشیه سود بالا در قاچاق کالا در توزیع درآمدها و ثروت در جامعه به هم خورده و قاچاقچیان از طریق کسب آن بخش از درآمدهایی که دولت می‌بایست از واردات رسمی کسب می‌کرد توزیع درآمد را ناهمگون‌تر می‌کند زیرا دولت می‌توانست این درآمدها را به صورت هزینه عمومی، هزینه‌های اجتماعی و اعطای یارانه بین عموم مردم توزیع کند. از همین رو قاچاق کالا موجب انحراف سیاست‌های اقتصادی و بازرگانی دولت می‌شود.

بررسی و برشمردن مهمترین تهدیدها از ناحیه قاچاق علیه امنیت کشور در بعد اقتصادی آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. پس در ادامه به بررسی اثر قاچاق کالا بر برخی از مولفه‌ها و متغیرهای اقتصادی می‌پردازیم

**اخلال در سیاستهای اقتصادی**

چون در قاچاق کالا برخلاف تجارت رسمی، ابتدا نوع کالا و قیمت و میزان آن مشخص نیست. بنابراین برنامه‌ریزی های تولیدی و سیاست‌های تجاری و بخش­خصوصی همواره با ریسک همراه است. لذا تولیدکننده با توجه به این ریسک یا در فرایند تولید شرکت نمی‌کند یا در صورت ورود آگاهانه، نرخ بازگشت سرمایه بالاتری را در زمان کوتاه‌تر طلب می‌کند.

دولت هم در برنامه ریزی تولیدی با همین مشکل روبروست. در این حالت قاچاق کالا با توجه اثراتی همچون بی‌ثباتی اقتصادی و اختلال در برنامه‌ریزی ها اقتصادی و سیستم توزیع باعث عدم کارایی نظرات دولت و آسیب پذبری اقتصادی کشور خواهد شد. قاچاق وارداتی مانع از کنترل بهینه دولت بر مجموع هزینه‌های وارداتی و اختصاصی ارز موجود به واردات کالاهای ضروری و سرمایه‌ای می‌شود که نقش بیشتری در رشد تولید ناخالص داخلی و رونق اقتصادی دارد. قاچاق با ایجاد تحریف در تولید ناخالص ملی، توان دولت را در اتخاذ روش‌های صحیح اقتصادی برای رسیدن به اهداف مورد نظر کاهش می‌دهد. یا این اهداف و سیاستها را کم اثر یا بی اثر کرده و آن‌ها را از کارکرد مورد انتظار می‌اندازد.

پیامد دیگر قاچاق در اقتصاد افزایش نرخ ارز در بازار آزاد به علت افزایش تقاضای آن برای واردات غیرقانونی کالاست. بخش مهمی از توازن ارزش ریالی در برابر ارز در بازار غیر رسمی وابسته به قاچاق است. بازرگان غیرقانونی به پول رسمی کشور فشار آورده و اثرات تورمی به دنبال دارد.

بنابراین دولت برای دستیابی به اهداف اقتصادی خود سیاست‌هایی جهت تحقق درآمدهای پیش‌بینی شده از منابع غیر نفتی، احیای ساختار اقتصاد ملی، برآوردن نیازهای رشد و توسعه اقتصادی، ایجاد آینده‌ای روشن و مطمئن برای تولید کننده، تنظیم ورود و خروج کالا، حفظ پول و ثبات قیمت‌ها تدوین می‌کند. اما قاچاق کالا همه این برنامه‌ریزی را مخدوش می‌سازد و مانع نتیجه‌گیری مطلوب از آن‌ها می‌شود.

**کمک به افزایش فقر**

فقر می‌تواند هم علت و هم معلول قاچاق باشد. این اثر ثانویه بلافاصله پس از شکست تولید و کاهش اشتغال درآمد عارض می‌شود. یعنی با افزایش قاچاق کالا فقر در جامعه از آنچه وجود دارد بیشتر می‌شود. زیرا قاچاق سرمایه‌گذاری مواد را از هدف اصلی خود منحرف کرده، تولیات و درآمد ملی را کاهش می‌دهد و به مرور سبب بروز فقر می‌شود. قاچاق کالا شرایط توزیع درآمدها و ثروت اجتماعی را به هم می­ریزد و مقررات اقتصادی دولت را که می‌تواند از طریق هزینه‌های عمومی و اعطای یارانه و دیگر حمایت‌های اجتماعی به طبقه محروم کمک کند کاهش می‌دهد. رسیدن طبقه قاچاقچی به ثروت‌های هنگفت، روند فقیرتر شدن طبقات پایین جامعه را سرعت می‌بخشد، چرا که با افزایش تقاضا و فشارهای تورمی، سطح رفاه اجتماعی پایین آمده، طبقات فقیر در تنگناهای بیشتر قرار می‌گیرند و فاصله آن‌ها با طبقات غنی بیشتر می‌شود. در کشور ما که میزان بالاترین درآمدهای جامعه به چند برابر پایینتر آن‌ها می‌رسد، نباید از قاچاق کالا که در تداوم این نابرابری بی تاثیر نیست به سادگی گذشت.

**تسهیل انحصار و رانت خواری**

انحصار و رانت خواری از مصادیق بارز فساد اقتصادی است. به لحاظ تئوری اعمال هر نوع محدودیت برای واردات آزاد کالای خارجی به بهانه حمایت از صنایع داخلی یا اعطای مجوز واردات آن‌ها به صورت گزینشی بستر مناسبی برای رانت جویی است. هرچند به عقیده برخی از کارشناسان در این شرایط، هدف ایجاد رانت نیست. زیرا در مرحله اول صنعتی شدن حمایت از تولید داخلی ضروری است. اگر سهمیه واردات وجود داشته باشد و دولت مجوزها را با قیمت مناسب بفروشد ایجاد رانت دشوارتر می‌شود. رانت ایجاد محدودیت بر روی کالاهای وارداتی در قالب وضع تعرفه و دادن جواز واردات کالاهای خارجی به افراد خاص از جانب دولت یکی از ویژگی‌های بارز اقتصاد ایران است. این رویکرد منفعت طلبانه به هر علتی که دنبال شود هزینه‌هایی برای جامعه دارد و موجب به هم خوردن تخصیص منابع کمیاب، ناکارآمد کردن اقتصاد ملی و سلب اعتماد عمومی به کارگزاران اقتصادی خواهد شد. در اقتصاد رانتی، ثروت و درآمد ناشی از تلاش و کوشش فردی و اجتماعی نیست بلکه گاه تصادفی، انحصاری، زاییده فساد مالی و زدو بندهای پنهان است.

بسته بودن و رانتی بودن سیستم اقتصادی کشور سبب شکل‌گیری انحصارات مختلف و ایجاد مسیرهای گوناگون واردات غیر رسمی شده است، یکی از این مسیرها، انحصار اخذ مجوز واردات کالاست که به شبه قاچاق تعبیر می‌شود. انحصار آشکار و پنهان واردات کالا از بزرگترین معضلات تجارت خارجی بوده و نتیجه تصمیمات مقطعی ناشی از مشکلات ارزی است که به ضرر مصرف کنندگان است زیرا آنها را از بسیاری از کالاهای مصرفی محروم می‌کند. برخی انحصارات نیز ناشی از اقدام‌های برخی ارگان‌های دولتی است که با هدف ایجاد فرصت برای شرکت های زیر مجموعه صورت می‌گیرد که به عقیده کارشناسان نقطه عطفی در گسترش قاچاق کالا بوده است.

از دیگر پیامدهای قاچاق در اقتصاد رانتی، کاهش امنیت اقتصادی و متعاقب آن نزول سرمایه گزاری و در نتیجه پایین ماندن رشد اقتصادی است. در این فضا قاچاق کالا نقش مسلط به خود می‌گیرد و منشا آن سوء استفاده های علنی و ظاهرا قانونی به عمل آمده از موقعیت‌های خاص سیاسی یا اجتماعی و نیز دسترسی زود هنگام به اطلاعات و هم اقتصادی است.

خلاصه آنکه رابطه میان اقتصاد سایه‌ای (قاچاق) و مفاسد اقتصادی (رانت خواری) محکم و پایدار است. به این مبناست که قانون­گذار با درک صحیح از اهمیت مساله مبارزه با قاچاق و افزایش رانت خواری حاصل از آن، دولت را مکلف می‌کند کلیه انحصاراتی را که به موجب دستورالعمل‌ها، مقررات یا اعطای امتیاز تخصیص منابع ایجاد شده لغو و اقدام قانونی برای جلوگیری از فعالیت‌های انحصار گرایانه که با تداوم قاچاق بر دامنه آن افزوده می‌شود به عمل آورد.

**مشکلات پولی**

شبکه قاچاق مستقیماً بازار کشور را به سهل الوصول ترین بازار برای اجناس خارجی تبدیل کرده است. این شبکه با ارزش چند میلیارد دلاری نیاز به تامین مالی وسیع دارد. پس بخشی از نقدینگی کشور که در شرایط ایده آل می‌توانست در مبادلات رسمی یا فعالیت‌های اقتصادی سرمایه‌گزاری شود، صرف قاچاق می‌شود.

قاچاق کالا آسیب هایی را هم به جریان پولی کشور وارد می‌کند که از مهمترین آن‌ها خروج ارز از کشور و پولشویی است.

ورود پول سیاه به عرصه اقتصاد و بازار با روند طبیعی اجرای سیاست‌های مالی و پولی و سرمایه‌گزاری اصولی منافعات دارد. ضمن اینکه به برنامه‌ریزی های اقتصادی دولت آسیب وارد می‌کند.

نقدینگی بالا و تقاضا برای اوراق بهادر در جامعه را نمی‌توان بی ارتباط با درآمدهای حاصل از قاچاق و مقاصد پول شویانه دانست. پول کثیف و سیاه به شکل آثار هنری، فلزات گرانبها یا اشیا عتیقه به طور غیر رسمی از کشور خارج یا به آن وارد می‌شود.

پول حاصل از فروش کالاهای قاچاق وقتی وارد بانک‌های کشور می‌شود، ظاهری قانونی پیدا می‌کند و پس از پاک شدن بدون پرداخت‌ مالیات از آن خارج شده و به دارایی‌های ظاهری مشروع تبدیل می‌شود چرا که در نظام بانکی کشور منشا پول مورد سوال نیست.

مهمترین دغدغه عوامل مبارزه با قاچاق، پس از انجام شدن معاملات کلان غیرقانونی ، مسئله پولشویی است، زیرا اگر بتوان در مهار و بی اثر کردن پدیده پول شویی موفقیتی بدست آورد در تهدید و کنترل قاچاق توفیقات بزرگتری حاصل خواهد شد. با خروج ارز از کشور به منظور واردات کالای قاچاق، تقاضای ارز بازار غیر رسمی افزایش می‌یابد و این افزایش اگر با محدودیت های ارزی همراه شود ارزش پول رایج کشور را بیش از پیش کاهش می‌دهد.

**لطمه به آمارهای اقتصادی**

قاچاق کالا در مواردی می‌تواند شفافیت اطلاعات و آمارهای اقتصادی را از بین ببرد صحت آن را مورد تردید قرار دهد، به گونه‌ای که دیگر نتوان معرف وضعیت اقتصادی واقعی کشور باشد. قاچاق کالا صحت برنامه‌ریزی را هم زیر سوال می‌برد و برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و اجتماعی را با مشکل مواجه می­سازد. فرض بر این است که نشانه های دریافتنی از شبکه اطلاعاتی درست است و شاخص‌های موجود پوشش کاملی از جامعه مورد مطالعه و تبلور واقعی شرایط اقتصادی و اجتماعی است اما فعالیت های قاچاق گاهی می‌تواند از این دقت بکاهد و تصمیمات را خدشه دار کند.

**سوق دادن تجارت رسمی به سمت قاچاق**

در شرایطی که مالیات مورد نیاز دولت، حقوق و عوارض متعدد همراه با بروکراسی اداری و محدودیت‌های فراوان بازرگانی به دوش بخش رسمی است، اما فعالیت قاچاق متحمل چنین مشکلاتی نیست، لذا گرایش از تجارت رسمی به قاچاق بیشتر می‌شود. البته این به معنای آن نیست که همان کسانی که در تجارت رسمی اشتغال دارند وارد بخش غیر رسمی می شوند بلکه بدان معناست که تجارت رسمی کم کم تضعیف یا حذف و فعالیت های سودگرانه پاسخگوی نیاز داخل می‌شود.

**تضعیف و کاهش تولید داخل**

حیات اقتصادی هر کشور وابسته به تولید بوده و تولید مهمترین عامل پویایی سرمایه‌های مالی و انسانی است زیرا به اندازه‌ای در رشد مولفه‌های ارزشی و اجتماعی موثر است که اگر سطح آن پایین باشد توسعه این مولفه‌ها به خطر افتد.

به اعتقاد برخی کارشناسان حدود یک سوم نیروی کار کشور در بخش اقتصاد زیرزمینی متمرکز است که از این مقدار بیش از 50 درصد را قاچاق تشکیل می‌دهد. به ازای هر 4 میلیارد دلار کالای قاچاق در سال 8 درصد تولیدات داخل دچار افت می‌شوند. برای اینکه قاچاق بزرگتر شدن بخش خدمات و کوچکتر شدن تولید و حتی سقوط واحدهای تولیدی را تسهیل می‌کند.

گزارش و آمارهای ارائه شده از سوی بنگاه‌های اقتصادی اعم از صنعتی و کشاورزی نشان دهنده ی کاهش تولید در برخی از محصولات داخلی مانند، پوشاک، منسوجات، دخانیات، لوازم خانگی، لوازم آرایشی، آهن آلات، رایانه و ... به موازات افزایش واردات اجناس مشابه از طریق قاچاق است.

**کند کردن توسعه مناطق مرزی**

مبادلات مرزی نتوانسته است مناطق مرزی را به توسعه مطلوب رهنمون کند. با اینکه در گذشته نیز بسیاری از نواحی مرزی کشور از امکانات و اقلیم مناسب زندگی برخوردار نبوده‌اند اما برخی از این مشکلات هنوز به قوت خود باقی است. تا اندازه‌ای که در مهاجرت مرز نشینان به برخی کشورهای هم‌جوار یا رشد قاچاق کالا به رغم همه تسهیلات دولتی، از جمله مزایای قانونی مبادلات مرزی، رساندن کالای دولتی به دست مردم و تلاش در جهت بهبود معیشت آنان، بی تاثیر بوده است.

هم اکنون بخشی از اعتباراتی که می‌تواند صرف عمران مرزها شود عملاً صرف مبارزه با قاچاق می‌شود. رواج و سوددهی قاچاق در نواحی مرزی می‌تواند فعالیت‌های مفید و مقرون به صرفه صنعتی و کشاورزی را تحت الشعاع قرار دهد و به عدم استقبال بکشاند و سرمایه گزاران بخش خصوصی را در توسعه این مناطق دچار تردید نماید، ضمن اینکه انگیزه سرمایه گزاری را در این مناطق به لحاظ دوری از بازار فروش و فقدان ساختار اقتصادی مطلوب کاهش دهد.

**صدمه به اشتغال**

در مورد آثار قاچاق بر افزایش بیکاری باید گفت طبق محاسبات انجام شده به ازای هر یک میلیارد دلار کالای قاچاق وارداتی، 100 هزار فرصت شغلی از بین می‌رود. یعنی اگر تنها قاچاق کالای همراه مسافر از مبادی قانونی صورت نمی‌گرفت دولت می‌توانست سالانه صد هزار فرصت شغلی ایجاد کند.

**آمار پرونده­های متشکله قاچاق در گمرکات کشور**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **سال** | **تعداد کل پرونده های متشکله قاچاق** | **ارزش کل پرونده ها (میلیارد ریال)** | **نرخ برابری دلار آمریکا** | **ارزش دلاری هر پرونده** |
| **1382** | 77595 | 8/1481 | 8323 | 436/2294 |
| **1383** | 70936 | 1/1330 | 8747 | 673/2143 |
| **1384** | 64355 | 1585 | 9042 | 845/2723 |
| **1385** | 49866 | 3/2738 | 9226 | 002/5952 |
| **1386** | 44034 | 1/2602 | 9357 | 376/6315 |
| **1387** | 38248 | 9/5297 | 9667 | 59/14328 |
| **1388** | 34442 | 7/3089 | 9979 | 612/8989 |
| **1389** | 34711 | 5672 | 10601 | 25/15414 |
| **1390** | 28416 | 4896 | 13568 | 8/12698 |
| **1391** | 24793 | 11611 | 26059 | 44/17971 |

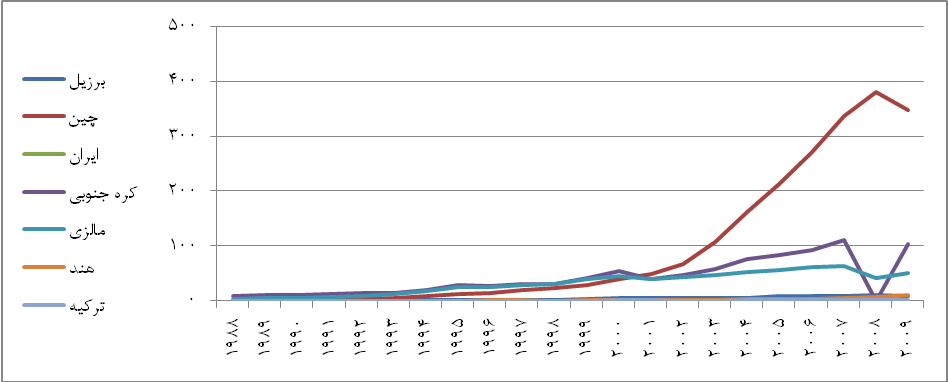
گمرک جمهوری اسلامی ایران

# بررسی علل قاچاق ارز و کالا

در اقتصادهای با ثبات که کالاهای رقابت­پذیر و هم­سطح با دنیای خارج از خود دارند و نرخ ارز از ثبات کافی برخوردار است و معاملات سوداگرانه ارز به معاملات در بازار آتی­ها ، فوروارد و سوآپ محدود می­شود که این خود به منظور کاهش دادن ریسک و تثبیت چرخه­های مالی و نقاط اوج و حضیض عمل می­کند، قاچاق کالا و به دنبال آن قاچاق ارز (به­عنوان تسهیل کننده قاچاق کالا) تنها انگیزه فرار تعرفه­ای دارد و معمولا در این اقتصاد دامنه عمل قاچاق محدود است اما در اقتصادهایی که کالای رقابت­پذیر محدود است صادرات با فناوری بالا بسیار پایین است.

**ارزش صادرات کالاهای دارای فناوری پیشرفته در کشورهای منتخب سال‌های 1988-2009**

(میلیارد دلار)



**مأخذ:** بانک جهانی، 2009.

بیش از 70 درصد واردات، واردات کالای سرمایه­ای، واسطه­ای و مواد اولیه است .

**سهم واردات مواد اولیه و واسطه‌ای، کالاهای سرمایه‌ای و کالاهای مصرفی از کل واردات**

(میلیارد دلار)

**واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه و محاسبه ارزبری تولید**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **سال** | **واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای(1) (میلیون دلار)** | **واردات کالاهای سرمایه‌ای(2) (میلیون دلار)** | **تولید ناخالص داخلی(3) (میلیون دلار)** | **ارزبری تولید(4) (درصد)** |
| **1381** | 9,766 | 9,668 | 116,421 | 7/16 |
| **1382** | 12,187 | 11,226 | 135,410 | 3/17 |
| **1383** | 16,898 | 12,105 | 163,227 | 8/17 |
| **1384** | 25,269 | 9,165 | 192,015 | 9/17 |
| **1385** | 27,155 | 8,172 | 222,881 | 9/15 |
| **1386** | 32,943 | 8,798 | 286,058 | 6/14 |
| **1387** | 37,696 | 10,505 | 338,187 | 3/14 |
| **1388** | 35,936 | 9,812 | 331,015 | 8/13 |
| متوسط | | | | 1/16 |

(1) و (2) گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (1383 و 1388).

(3) بانک جهانی، اطلاعات سری زمانی (2009).

(4) محاسبات محقق (مجموع ارقام واردات واسطه‌ای و سرمایه‌ای بر تولید ناخالص داخلی تقسیم شده و حاصل به‌صورت درصد بیان شده است).

بخش صنعت 80 درصد به واردات وابسته است. قیمت تمام­شده در بنگاه­های داخلی بی­ثبات و رو به افزایش است و نسبت به قیمت­های کالاهای رقیب خارجی بیشتر است. عمده منابع پولی و ارزی و انسانی در بخش پررونق غیرقابل مبادله صرف می­شود و نسبت کالاهای قابل مبادله به غیرقابل مبادله در حال افزایش است. همچنین اقتصادهایی که در آنها هزینه تحقیق و توسعه ناچیز است و در کنار جنبه­های سخت­افزاری صنعت به جنبه­های نرم افزاری در آن توجه نمی­شود، در اقتصادهایی که منابع ارزی­اش از فروش مواد خام طبیعی تامین می­شود و در برخی نوسانات شدید ناشی از شوک برونزا قرار دارد ، در اقتصادهایی که کشش عرضه صادرات پایین و تقاضای واردات در قلمرو مصرف و کالاهای واسطه­ای ، سرمایه­ای و مواد اولیه کم کشش یا بی­کشش است، قاعدتا باید محدودیت­های تعرفه­ای و مقداری وضع­کنند و از اقتصاد ملی و تولید داخلی خود حمایت کنند.

البته حمایت باید محدود، مشروط و زماندار باشد و حمایت شونده باید پاسخگو و مسئول باشد و نسبت به حساسیت­های زمان خود را تعدیل نماید.اما حتی اگر حمایت­ها ناصحیح باشد نباید از حمایت صحیح غافل شد زیرا در غیر اینصورت اقتصاد داخلی بیش از پیش تضعیف خواهد شد. حمایت هوشمند، وضع تعرفه و محدودیت­های مقداری انعطاف­پذیر و حساب شده و وجود اختلاف سطح بین کالاهای داخل و خارج به لحاظ قیمت تمام شده ، کیفیت و رقابت ­پذیری و فناوری زمینه را برای قاچاق واردات کالا و بنابراین قاچاق ارز فراهم می­کند.خصوصا اگر درجه فساد و یا ادراک فساد در اقتصاد بالا باشد، حوزه تجارت خارجی در شرایط نبود نظارت مناسب به جولانگاه عوامل قاچاق کالا و ارز تبدیل می­شود. البته عده­ای تحلیل می­کند که وضع مقررات محدودکننده سفت و سخت در حوزه تجارت و وضع محدودیت­های مقداری و تعرفه­ای شدید و تغیر مکرر سیاست­های تجاری عامل پیدایش قاچاق کالا و ارز است و اظهار می­دارند که اگر ما در این حوزه مقررات ­زدایی کنیم این مشکل حل می­شود. به این نوع تحلیل­ها از مبنا خدشه وارد است زیرا وقتی وضعیت اقتصاد به گونه­ای باشد که برشمردیم لاجرم باید از تولیدات داخلی حمایت صورت گیرد. (تنها حمایت صحیح). اگر ما صد سال هم حمایت ناصحیح اعمال کنیم نمی­توانیم به این بهانه که حمایت مستمر جواب نداده است از اعمال حمایت صحیح ، محدود و زماندار غفلت کنیم.

وقتی دولت برای کنترل تورم به واردات متوسل می‌شود یعنی تولیدات داخلی به لحاظ کیفیت و کمیت توان رقابت با همتایان خارجی خود را ندارند و این وضعیت نشان از یک اقتصاد وابسته به ارز و خارج است نه یک اقتصاد با ثبات که در مسیر توسعه گام برمی­دارد. ملاحظه می گردد که در بین سالهای 1387 تا 1389 وقتی درآمدهای ارزی فوران میکند وابستگی به واردات هم افزایش می یابد بطور مثال در صنعت خودروسازی به تدریج سهم قطعات تولید داخل، کاهش و سهم قطعات چینی وارداتی جایگزین، افزایش می یابد. این وضعیت صادرات و واردات باعث گردیده که کشش عرضه صادرات غیرنفتی در اقتصاد محدود و کشش تقاضای واردات نیز به خاطر شدت وابستگی در قلمرو مصرف و تولید اندک باشد.

**ترکیب واردات**

(میلیون دلار)

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **سال** | **واردات کل** | **مواد اولیه و کالاهای واسطه ای**  **(درصد)** | **کالاهای سرمایه ای**  **(درصد)** | **کالاهای مصرفی**  **(درصد)** |
| **1382** | 26597 | 45 | 42 | 13 |
| **1383** | 35388 | 67 | 23 | 10 |
| **1384** | 39247 | 65 | 23 | 12 |
| **1385** | 41722 | 65 | 20 | 15 |
| **1386** | 48438 | 68 | 18 | 14 |
| **1387** | 56042 | 67 | 19 | 14 |
| **1388** | 55189 | 67 | 15 | 18 |
| **1389** | 64450 | 71 | 17 | 12 |

وضعیت فضای کسب و کار در داخل به نسبت وضعیت خوبی نداشته است و این باعث شده از یک طرف سرمایه گذاری های مولد و تولید محور محدود و تضعیف شود و از طرف دیگر موجب یاس سرمایه گذاران خارجی در ورود سرمایه به کشور و نیز موجب تشویق خروج سرمایه از کشور شود.

زمانیکه ساختار اقتصاد در مقایسه با اقتصادهای خارجی اینگونه باشد تعرفه و محدودیت مقداری وجود دارد. لذا باید قلمرو فشار را محدود کرد ، مجاری آن را خشکاند و با نظارت ، کنترل و شفاف کردن امور مربوط به تجارت بین­الملل زمینه­های قاچاق را محدود کرد.

# نتیجه گیری و ارائه راهکار مبارزه با قاچاق

**چگونگی پیش­گیری از قاچاق ارز**

در اقتصادهای پیشرفته ، قوی و با ثبات هم که پول ملی­شان به خاطر جایگاه نسبی اقتصاد داخلی آنها نسبت به دنیای خارج قوی است و از ثبات لازم برخوردار است و سوداگری ارز موضوعیت چندانی ندارد، خرید و فروش ارز خارج از مجاری رسمی موضوعیت ندارد.

نقل و انتقال ارز باید در شبکه­های هوشمند ثبت شود. در اقتصاد ما معاملات غیر رسمی روی ارز و معاملات غیر ثبتی ارزی بسیار رایج است و باید بطور جدی با آن مقابله شود. اگر چنانچه سازوکاری فراهم شود که دادوستدهای ارز ثبت شود و دادوستد غیر ثبتی و غیررسمی قاچاق و خلاف قانون تلقی شود در آن صورت می­توان خیلی از محدودیت­های دست­وپاگیر را حذف نمود. به طور مثال اکنون از صادرکننده درخواست می­شود که ارز خودرا به کشور بازگرداند و در جریان رسمی دادوستدهای ارزی قرار دهد حتی به این قیمت که آن را در بازار آزاد بطور رسمی بفروشد ونیازی نیست که وی را مجبور کنیم که با نرخ مبادله­ای به بانک مرکزی بفروشد.لذا برای تحقق این مهم باید تمام معاملات ارزی خارج از حوزه عمل صرافی­های دارای مجوز را ممنوع کرد. عملیات صرافی­ها نیز باید با ثبت کامل و رسمی همه دادوستدهای ارزی انجام شود. بنابراین باید دادو ستدهای ارزی غیرثبتی، قاچاق و غیرقانونی تلقی شود. وقتی این گام برداشته شود گام بعدی ممنوعیت دادوستدهای سوداگرانه ارزی است. هرکس برای استفاده­های شخصی، تجاری، تولیدی و خدماتی مجاز به استفاده از ارز است اما خرید و فروش سوداگرانه مجاز نیست. در این صورت مدیریت ارز و ایجاد ترتیبات سیاسی ارزی بسیار آسان می­شود و مشکلات ارزی مثل گذشته تشدید نمی­شود. در آن صورت تامین ارزی معاملات کالایی قاچاق پرهزینه خواهد شد و ارز خارج از جریان رسمی قاچاق خواهد بود.به هرحال این راه­کار یک راه­کار فنی است و ممکن است اجرای آن زمان ببرد اما قبل از انجام این مهم که به نظر می­رسد در میان­مدت(حتی در کوتاه­مدت) قابل تحقق است باید بطور اکید دستگاه­های دولتی و زیرمجموعه­های بخش عمومی و موسسات وابسته به حاکمیت و نهادهای عمومی و نیز بانک­ها و موسسات مالی و اعتباری و دولتی و خصوصی را در مبادلات خرید و فروش سوداگرانه ارز منع کرد سپس سراغ محدودکردن ثبت غیررسمی مبادلات ارزی رفت و پس از آن بر صرافی­ها اشراف اطلاعاتی پیدا کرد زیرا بسیاری از عوامل سوداگر که به صورت غیررسمی و در کوچه و خیابان به خریدوفروش ارز مبادرت می­کنند و فضای بازار را بی­ثبات و مختل می­کنند عوامل صرافی­ها هستند.

به نظر می­رسد اگر تنها کسانی که نیاز مشخص ارزی دارند حتی برای مسافرت یا خدمات از طریق مجاری رسمی ارز دریافت کنند بسیاری از مشکلات مربوط به قاچاق ارز حل خواهد شد مگر اینکه کاهش قیمت نفت و تداوم یا حتی تشدید تحریمها درآمدهای ارزی کشور را به شدت کاهش دهد و تقاضاهای رسمی ارز از طریق مجاری رسمی قابل تامین نباشد در آن صورت با همین شبکه هوشمند مبادله ارزی می­توان ارز را بر حسب اولویت نیازها تخصیص داد و حتی در آن شرایط هم اقتصا را از ورطه بی­ثباتی خلاص کرد. در آن صورت می­توان به نیازهای تولید داخلی، نیازهای واردات اساسی و دارو پاسخ داد و بقیه را منوط به وجود ذخیره ارزی نمود. در آن صورت امور اقتصاد بصورت عادی اداره می­شود و هیچ تهدید و بی­ثباتی هم بر آن مستولی نمی­شود. اکنون در میان سیاست­گذاران و بعضی صاحب نظران تاکید می­شود که ما برای اینکه از رانت و فساد و قاچاق خلاص شویم باید نرخ ارز را به بازار بسپاریم و با مستقر کردن نرخ بازار، ارز تک نرخی را در اقتصاد مستقر کنیم . وجود تک نرخ ریشه فساد و قاچاق را می­خشکاند. درست مثل کشورهایی که تولید قوی و صاردات فناورانه رقابت­پذیر دارند و با دنیای خارج در توازن و تعادل کامل قرار دارند. اما در کشور ما چنین امری نه موجب رفع قاچاق و فساد می­شود نه ثبات به ارمغان می­آورد بلکه کل اقتصاد را بی­ثبات کرده و هزینه­های تخصیصی و توزیعی متعددی بر اقتصاد ملی تحمیل می­کند.

چگونگی پیش­گیری از قاچاق کالا

در جدول زیر به طور مختصر به بررسی ابعاد و مولفه های مبارزه با قاچاق کالا در حوزه های مختلف می‌پردازیم.

ابعاد و مولفه های مبارزه با قاچاق

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **ردیف** | **ابعاد قاچاق** | **مولفه ها و راهکارهای مبارزه با قاچاق** |
| **1** | بعد فرهنگی و اجتماعی | الف) فرهنگ سازی و نهادینه کردن فرهنگ مبارزه با قاچاق |
| ب) تغییر فرهنگ الگوی مصرف جامعه از تجمل گرایی و مصرف گرایی به کاهش تقاضا و ترجیح مصرف کالای داخلی |
| ج) آموزشهای تخصصی مبارزه با قاچاق |
| **2** | بعد اقتصادی | الف) ایجاد بازار عمیق ارز |
| ب) ایجاد اشتغال و فرصت های شغلی و کاهش فقر و بیکاری |
| د) توسعه کشاورزی |
| ه) نظارت بر بازارچه های مرزی و ساماندهی آنان |
| و) اتخاذ سیاستهای تجاری و تولیدی مناسب |
| **3** | بعد سیاسی، مدیریتی | الف) ثبات سیاسی و مدیریتی |
| ب) کاهش بروکراسی و مقررات دست و پاگیر در ساختار اقتصادی |
| ج) سازماندهی و اصلاح قوانین اداری مربوط به قاچاق |
| د) مبارزه با فساد اداری |

# منابع

1. موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی ، تابستان 1367 ، آشنایی با تعریف و اصطلاحات بازرگانی ، ج 1، تهران ، انتشارات برات و وازرت بازرگانی ، صفحه1
2. شاكري، عباس (1389)، «ويژگي‌هاي نظام ارزي شناور با نگاهي به نظام ارزي ايران»، اتاق بازرگاني، صنايع، معادن و كشاورزي تهران، بهار 1389.
3. شاكري، عباس (1389)، «نقاط قوت و ضعف سياست ثبات نسبي نرخ ارز و تخصيص جوايز صادراتي»، اتاق بازرگاني، صنايع، معادن و كشاورزي تهران، بهار 1389.
4. قلي زاده ،سيدابراهيم. علي پور، عباس و ذوقي باراني، كاظم.(1389)، «علل و پيامدهاي قاچاق کالا در ايران پس از انقلاب اسلامي.»، فصل­نامه دانش انتظامی، ‎زمستان 1389
5. عرب مازار یزدی، علی (1384) «اقتصاد سیاه در ایران»، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
6. [علي اصغر اسفندياري](http://www.booksite.ir/bo1.php?cc=علي%20اصغر%20اسفندياري)،[آرش جمال منش](http://www.booksite.ir/bo1.php?cc=%20آرش%20جمال%20منش) (1398) «[اقتصاد زيرزميني در ايران](http://www.booksite.ir/bo1.php?id=9789644264573" \o "اقتصاد زيرزميني در ايران)»، [پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي](http://www.booksite.ir/bo1.php?nasher=پژوهشگاه%20علوم%20انساني%20و%20مطالعات%20فرهنگي)
7. Becker, Gary. ''Nobel Lecture: The Economic Way at Looking at Behavior". Journal of Political Economy. Vol.101, No.3 (1993).
8. Becker, Gary. "Crime and Punishment: An Economic Approach". Journal of Economy, Vol.76, No.2 (1968).
9. Buonanno, Paolo. "The Socioeconomic Determinants of Crime, A Review of the Literature"., Universita degli Studi di Milano –Bicocca, Italy, (2004).
10. Bhagwati, Jagdish and Hansen, Bent. "A Theoretical Analysis of Smuggling"., Quarterly Journal of Economics, Vol.87, (1973).